

مقایسه اجمالی قانون اساسی پیشین و جدید مصر

نگار حسینی: همه‌پرسی قانون اساسی مصر در زمان مردان مرسى و روی‌کار آمدن اخوانی‌ها در دو مرحله به‌ر فراتراندوم گذاشته شد: نخست در ۲۵آذر ۱۳۹۱ و دوره دوم همه پرسی در دی‌ماه همان سال برگزار شد. در این مطلب به تعدادی از ماده‌های قانونی قانون اساسی که با ۶۳/۸ درصد آرای مردم مصر آری گرفت و جایگزین قانون اساسی ۱۹۷۱ شد، نگاهی اجمالی انداخته‌ایم. در قانون اساسی جدید تغییرات محسوسی به چشم می‌خورد اما این موضوع هم حتی باعث بهبود چشمگیر چهره دولت مرسى و اخوانی‌ها نشده است.

قانون اساسی ۱۹۷۱	قانون اساسی ۲۰۱۲	تحلیل
میانی دولت		
در ماده ۴ قانون اساسی این سال اشاره شده است که اسلام دین رسمی کشور مصر و عربی، زبان رسمی کشور است. به علاوه، میانی حقوق اسلامی (شریعت) مبنای قانونگذاری است.	در ماده ۲پیش‌نویس، اسلام دین رسمی کشور مصر و عربی، زبان رسمی کشور است. به علاوه، میانی حقوق اسلامی (شریعت) مبنای قانونگذاری است.	این ماده تغییر چندانی نکرده است، هرچند اصول شریعت در آن مبهم است.

حقوق زنان		
در ماده ۱۰ قانون اساسی آمده است که دولت باید حمایت از مادران و کودکان را تضمین کند، به علاوه باید از کودکان و جوانان نیز محافظت کند و شرایط مناسب برای توسعه استعدادهای آنها را فراهم آورد. در ماده ۱۱ دولت باید تضمین دهد بدون نقض قوانین شریعت، وضعیت زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با مردان برابر باشد.	در ماده ۱۰ پیش‌نویس قانون اساسی جدید، دولت مکلف شده است خدمات بهداشتی رایگان مادر و کودک را تأمین کند و ضمانت کند که زنان بتوانند میان وضعیت خود در خانواده و محل کار تعادل ایجاد کنند. دولت همچنین موظف است خدمات ویژه حمایت و توجه به زنان شاغل، مطلقه و بیوه را در دستور کار خود قرار دهد. در ماده ۱۱ نیز آمده است که دولت باید حمایت از اخلاق، اخلاق‌مداری و قوانین عمومی را در دستور کار خود قرار دهد.	فعالان، قانونگذار را برای حذف زنان در مورد «وظایف زنان» تحت‌فشار قرار داده‌اند.

شورای دفاع ملی		
این موضوع در ماده ۱۹۷پیش‌نویس قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در این ماده آمده که یک شورای دفاع باید تشکیل شود که رییس این شورا، رییس جمهوری است و اعضای آن عبارت‌ند از نمایندگان از مجلس نمایندگان و مجلس شورا، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه، وزیر مالیه، وزیر کشور، رییس‌سرویس‌های عمومی هوش، رییس ارتش، فرمانده نیروی هوایی، فرمانده نیروی دریایی و دفاع هوایی، رییس عملیات برای نیروهای مسلح و رییس هوش نظامی.	در ماده ۱۹۷پیش‌نویس قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. در این ماده آمده که یک شورای دفاع باید تشکیل شود که رییس این شورا، رییس جمهوری است و اعضای آن عبارت‌ند از نمایندگان از مجلس نمایندگان و مجلس شورا، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، وزیر امور خارجه، وزیر مالیه، وزیر کشور، رییس‌سرویس‌های عمومی هوش، رییس ارتش، فرمانده نیروی هوایی، فرمانده نیروی دریایی و دفاع هوایی، رییس عملیات برای نیروهای مسلح و رییس هوش نظامی.	هفت نفر از ۱۵عضو این شورا، از جمله وزیر دفاع، افسران نظامی هستند که (با توجه به قانون اساسی) باید از نیروهای مسلح آمده باشند.

بودجه نظامی		
در ماده ۱۹۷ پیش‌نویس به این مورد اشاره شده است. شورا مسئول مسایل مربوط به روش‌های حصول اطمینان از ایمنی و امنیت کشور و بودجه نیروهای مسلح است. باید در مورد پیش‌نویس قوانین مربوط به نیروهای مسلح مشورت شود. دیگر صلاحیت‌ها به موجب قانون تعریف می‌شود.	در ماده ۱۹۷ پیش‌نویس قانون اساسی جدید به‌صراحت به دفاع شورای ملی – مجلس – کنترل بر بودجه ارتش	

محاکمه نظامی		
در ماده ۱۹۸پیش‌نویس به این مورد اشاره شده است با این توضیح که غیرنظامیان نباید پیش از برگزاری دادگاه‌های نظامی با محکومان مواجه شوند، به‌جز جرایمی که در آنها نیروهای مسلح مورد رفتار مجرمانه قرار گرفته‌اند. قانون باید اینگونه جنایات را تعریف و صلاحیت قوه قضاییه نظامی را تعیین کند.	پیش‌نویس قانون به صراحت محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی را به‌جز موارد محدود ممنوع کرده است.	

آزادی مذهب		
ماده ۴۳: آزادی عقیده یک حق غیرقابل غصب است. دولت باید آزادی انجام مراسم مذهبی دینی را تضمین کند و مکان‌هایی را برای پرستش و عبادت برای ادیان آسمانی تدارک ببیند.	قانون اساسی تنها از پیروان ادیان اسلام، مسیحیت و یهود حفاظت می‌کند.	

الازهر		
ماده ۴: الازهر یک نهاد مستقل اسلامی فراگیر است، با استقلال منحصر‌به‌فرد در بیشتر امور خود که مسئول تبلیغ اسلام، الهیات و زبان عربی در مصر و جهان است. با علمای الازهر در مسایل مربوط به قوانین اسلامی مشورت می‌شود.	برخی از مصری‌ها نگران هستند که دادن نقش به الازهر در قانون اساسی می‌تواند این نهاد را سیاسی کند.	

رسانه		
در ماده ۴۸ پیش‌نویس قانون اساسی جدید مصر آمده است که آزادی مطبوعات، چاپ، انتشارات و رسانه‌های گروهی باید تضمین شود. سانسور در روزنامه‌ها ممنوع است. رسانه‌ها باید برای خدمت به جامعه و برای بیان گرایش‌های مختلف در افکار عمومی و کمک به شکل‌گیری و هدایت جامعه مطابق با اصول اساسی دولت و جامعه و حفظ حقوق، آزادی‌ها و وظایف عمومی، احترام به حریم خصوصی شهروندان و الزامات امنیت ملی، مستقل و آزاد باشند. بسته شدن یا مصادره رسانه‌ها به جز با حکم دادگاه ممنوع است.	—	ماده ۴۸ قانون اساسی مصر به این اشاره دارد که آزادی مطبوعات، چاپ، انتشارات و رسانه‌های گروهی باید تضمین شود. سانسور در روزنامه‌ها ممنوع است. اخبار، تعلیق و یا لغو از روزنامه‌ها ممنوع است. با این حال، در زمانی که دولت اعلام اضطراب کرده باشد و یا در زمان جنگ، سانسور محدود ممکن است در روزنامه‌ها، نشریات و رسانه‌های جمعی در امور مربوط به امنیت عمومی یا برای مقاصد امنیت ملی انجام شود.

محدودیت دوره		
در ماده ۱۳۲ پیش‌نویس آمده است که رییس جمهوری باید برای یک دوره چهارساله انتخاب شود. این زمان از پایان دوره رییس‌جمهوری پیشین آغاز می‌شود. رییس‌جمهوری تنها یک‌بار ممکن است دوباره انتخاب شود.	قانون اساسی پیشین به رییس‌جمهوری اجازه می‌داد که امکان انتخاب شدن داشته باشد، به علاوه اینکه طول دوره از شش سال به چهار سال کاهش یافته است.	

آزادی بیان		
ماده ۲۱: توهین یا تحقیر نسبت به هر انسان ممنوع است. ماده ۴۴: توهین یا سوءاستفاده از تمام رسولان و پیامبران دینی ممنوع است. ماده ۴۵: آزادی اندیشه و عقیده تضمین شده است.	—	ماده ۴۷: آزادی عقیده تضمین شده است. هر فردی حق ابراز نظر خود و انتشار آن به صورت کلامی، نوشتاری، تصویری یا به وسیله‌های دیگر را در حدود قانون دارد. انتقاد از خود و انتقاد سازنده در چارچوب امنیت ملی امکانپذیر است.

برابری/ تبعیض		
ماده ۳۳: همه شهروندان در برابر قانون مساوی هستند. آنها حقوق برابر و وظایف عمومی بدون هیچ تبعیضی دارند.	در پیش‌نویس، مصادیق تبعیض مشخص نشده است و به اعتقاد فعالان، این موضوع نگران‌کننده است.	ماده ۴۰: همه شهروندان در برابر قانون مساوی هستند. آنها حقوق و وظایف عمومی برابر بدون اعمال هر گونه تبعیض بر اساس نژاد، تبار، جنسیت، زبان، مذهب یا عقیده دارند.

پیمان‌نامه‌های بین‌المللی		
ماده ۱۴۵: رییس‌جمهوری باید نتیجه تصویب معاهده‌ها و نتایج آن به مجلس نمایندگان ارایه دهد. تصویب باید از هر دو مجلس مقننه با اکثریت دو سوم از اعضای خود را برای هر پیمان صلح به‌دست آورد.	—	ماده ۵۱: رییس‌جمهوری باید نتیجه معاهدات بین‌المللی و از تباط آنها را همراه با یک توضیح مناسب به مجلس ارایه دهد.

کار کودکان		
ماده ۷۰: کار کودکان در زمان پیش از پایان دوره اجباری تحصیل ممنوع است، به‌علاوه کار کودکان در شغل‌هایی که برای کودک مناسب نیست یا مشاغلی که کودک را از تحصیل باز می‌دارد، ممنوع است.	این ماده به صراحت اجازه می‌دهد برخی از انواع کار کودکان انجام شود.	

شکنجه		
ماده ۳۶: کرامت انسانی هر شخص دستگیر یا بازداشت‌شده یا کسی که آزادی او به هر نحو محدود شده باشد، باید حفظ شود. هیچ آسیب جسمی یا روحی نباید به فرد تحمیل شود. تنها مکان‌هایی که به لحاظ انسانی و بهداشتی مناسب و تحت نظارت قضایی هستند می‌توانند برای بازداشت استفاده شوند.	—	ماده ۴۲: هر شخصی که دستگیر شود یا به نحوی آزادی او محدود شود، باید با او محترمانه رفتار شود. هیچ آسیب روحی و جسمی نباید در حق او روا داشته شود.

دستگیری و بازداشت		
در ماده ۳۵ در این‌باره آمده است که هر شخص دستگیر یا بازداشت‌شده، باید از دلایل دستگیری در کمتر از ۱۲ ساعت مطلع شود و ظرف ۲۴ ساعت از زمان دستگیری، در حضور وکیل مورد بازجویی قرار گیرد. فرد دستگیر یا بازداشت‌شده حق درخواست تجدیدنظر به دادگاه را دارد. اگر تصمیم‌گیری در عرض یک هفته ارایه نشود، آزادی ضروری می‌شود.	این ماده به صراحت اجازه می‌دهد برخی از انواع کار کودکان انجام شود.	

ممنوعیت حزب دموکراتیک ملی		
ماده ۲۳۲: رهبران حزب دموکراتیک ملی از کار سیاسی و انتخابات ریاست‌جمهوری و قوه مقننه مدت ۱۰سال از تاریخ تصویب این قانون اساسی منع شده‌اند.	—	

نیم‌نگاه

مصر اولین تجربه اخوان نیست

محمدعلی سبحانی ـ کارشناس امور مصر

برای بررسی شرایط فعلی مصر باید از اخوان‌المسلمین شروع کنیم. اگر اخوان‌المسلمین را اولین تجربه اسلامی منطقه‌ای که جغرافیای جهان اسلام را دربر گرفته است بدانیم، مصر اولین تجربه اخوان‌المسلمین در تشکیل حکومت یا مشارکت در دولت نیست، بلکه اخوانی‌ها چندین تجربه دیگر نیز داشته‌اند. اما فرق اصلی این تجربه (حکومت در مصر) با تجربه‌های پیشین در ترکیه و سودان این است که این تجربه در نقطه‌ای است که اخوان‌المسلمین به‌عنوان نیروی اسلامی اصلاح‌طلب متولد شده است. مصر و کل جهان عرب تقریباً در مدت چندصدسال در شرایط خاصی به‌سر می‌بردند. در آن شرایط نیرویی با نام اسلام با دیکتاتوری فکری حکومتی، خلافتی را در کل جهان اسلام برقرار کرد و در مصر نهضت فکری‌ای شکل گرفت که به اخوان تبدیل شد. این نهضت زمانی‌که پادشاه مصر ضعیف شد به حزب تبدیل شد. هرچند طولی نکشید که جریان فکری –قومی تحت‌عنوان یان عربیسم و تحت‌رهبری جمال عبدالناصر با حزب اخوان‌المسلمین درگیر شد. پس از این درگیری جنبش اخوان‌المسلمین غیرقانونی شد و از این‌رو در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی مصر فعال شد و به فکر تبدیل‌شدن به حزبی بین‌المللی افتاد. این جنبش در سال ۲۰۰۵ فرصت پیدا کرد به اسم خودش و به‌طور غیررسمی نیروهایش را به مجلس مصر بفرستد و در حقیقت در قدرت مشارکت کند.

این مشارکت تجربه جدیدی برای اخوان‌المسلمین بود. این حرکت درست است که بعد از موفقیت جنبش اخوان ترکیه در تشکیل یک دولت کاملاً لایپک بود اما به‌رحال تجربه بسیاموفق به حساب می‌آمد. نقاط ضعف و قوت حزب اسلام‌گرای اخوان در سودان نیز بر اخوان مصر تأثیرگذار بود. در سودان نقاطضع به حدی رسید که مرشد اخوان را به زندان انداختند و شبه‌کودتای نظامی به‌نام جنبش اسلامی اتفاق افتاد. اخوان‌المسلمین سودان دایماً درگیر بودند و هرگز نتوانستند مدل قابل‌قبولی را در آنجا ارایه دهند. این دو تجربه (ترکیه و سودان) در هر دو طرف مصر وجود داشت.

اخوان‌المسلمین اینن تجربه‌ها را درک کرد و در انقلاب مصر به‌کارگرفت. با وجود این تجربه‌ها، اخوان‌المسلمین مصر به دنبال آن است که رهبری اسلام سیاسی را به‌عهده بگیرد و مدلی باشد که دیگران را تحت‌تأثیر قرار دهد. با این شرایط اخوان‌المسلمین مصر توانست بعد از انقلاب در چندین انتخابات پیروز شود و سرانجام دولت فعلی مصر را دراختیار گیرد. این تجربه جدید و درعین‌حال دشواری است. از آن جهت دشوار است که مصر در کنار اسرائیل قرار گرفته و تاریخ پرفرازونشیبی با اسرائیل داشته است. مصر رهبر سه جنگ بزرگ با اسرائیل بوده و در این سه جنگ توفیق فراوانی نداشته است. به‌طورکلی حاصل این سه جنگ برای مصر شکست بوده و همین شکست موجب صلح مصر با اسرائیل است. با این حال اگر به تاریخچه صلح دوطرفه نیز نگاهی بیندازیم می‌بینیم، که صلح نیز نتیجه‌ای نداشته و مصری‌ها در دنیای عرب به دلیل صلح تحقیر شده‌اند. نتیجه شکست در جنگ



و صلح این است که امروز مصر می‌خواهد گفت‌مان جدیدی را تجربه کند. این تجربه جدید نه جنگ است و نه صلح. با توجه به شرایط امروز اسرائیل و وجود نیروهای قومی و اسلامی که خواهان برخورد با اسرائیل هستند، مصر باید به هویتی دست پیدا کند که گذشته شکست‌خورده را جبران کند. یکی دیگر از چالش‌های مصر، مشکلات اقتصادی است. در مصر مشکلات اقتصادی بسیاری وجود دارد.

این مشکلات اقتصادی نیز به دلیل بحران هویتی چنددهه‌آخر مصر است. این بحران هویتی اجازه نداده که مشکلات اقتصادی این کشور پرجمعیت حل شود. براساس آمارها حدود چهارمیلیون بی‌خانمان در مناطقی به نام مقابر و در خانه‌هایی که مناسب زندگی نیستند، به‌سر می‌برند. این مشکلات اقتصادی، میراثی است برای دولت جدید مصر. مساله بعدی چالش فکری است که اجازه نمی‌دهد ابزار موردنیاز به دست دولت بیفتد تا مشکلات را حل کنند. با توجه به این سه نکته متوجه می‌شویم که اخوان در وضعیت مشکلی قرار دارد. دولت کنونی مصر باید سیاست خارجی نسبتاً معتدلی را پیگیری کند. براساس این سیاست خارجی معتدل، مصر باید هم در منطقه و هم با کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله اسرائیل رابطه خوبی داشته باشد. با این حال این رویکرد مشکل است چرا که اخوانی‌ها در انتخابات قانون اساسی اشتباه بزرگی مرتکب شدند.

آنها برای اینکه بندهای موردنظر خود را وارد قانون اساسی کنند با سلفی‌ها متحد شدند و گروه‌های بزرگ اجتماعی از جمله روشنفکران و قومگرایان را از دست دادند. این گروه‌ها جبهه متحدی را علیه اخوان شکل دادند. پس از آنکه اخوان نتوانست با نیروهای ملی، سکولار، قومگرا، جوانان انقلابی و حتی برخی از نیروهای اسلام‌گرای مدرن به گفت‌مان مشترک ملی برسد، با آرای شکننده دولت را در دست گرفت. بنابراین دولت مرسى از لحاظ میزان اعتماد در سطح مردم و سطح نیروهای سیاسی ضعیف است. اخوانی‌ها ابتدا با نیروهای لیبرال و روشنفکر طرفدار دولت قبل، دیالوگ قابل‌قبولی برقرار کردند اما این ویژگی ادامه پیدا نکرد. حرکت‌های زیگزاگی اخوان، این جریان را در میان نیروهای سیاسی مصر کاملاً زیر سؤال برد و موجب بی‌اعتمادی گسترده به اخوان‌المسلمین شد.

بنابراین این دولت ضعیف بعید است که بتواند مشکلات اقتصادی را بهبود بخشد. اتحاد آنها با سلفی‌ها نیز صنعت توریسم که مهم‌ترین منبع درآمد مصر است را با مشکل مواجه کرد. از سوی دیگر به‌رغم نزدیکی دولت کنونی مصر با آمریکایی‌ها و بازتولید گفت‌وگوی صلح و تلاش برای کنترل رابطه با اسرائیل، نتوانستند کمک‌های مالی بیشتری نسبت به دولت مبارک در اختیار بگیرند. با این حال آنها در ایجاد گفت‌مان متعادل در سیاست خارجی تا حدی موفق بودند و تلاش کردند با ارتش وارد تعامل شوند و در این مورد نیز موفق بودند.

گزارش

مرسی، محل اتمال مخالفان مصری

سودابه رخش

روزی که انقلابیون مصری درالتحریر بسط نشستند و تا سرنوشتی مبارک پایداری کردند، تصور نمی‌کردند که بعد از دو سال به حداقل خواسته‌هایشان نیز نرسیده باشند. دهها هزارنفر در قالب نزدیک به ۲۰ جناح، با پیش‌زمینه‌های متنوع ایدئولوژیک و سیاسی به میدان معروف قاهره می‌آمدند و تنها یک چیز می‌خواستند: سرنوشتی حسنی مبارک. ارتش و هم‌پیمانان مبارک خیلی زود پشت او را خالی کردند و خواسته انقلابیون برآورده شد. اما در میان انبوهی از گروه‌های معترض تنها اخوان‌المسلمین بود که توانست به پشت‌توانه سلسله بیش از نیمی قرن‌اش و با تکیه بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ریشه‌دارش قدرت را در دست بگیرد. اخوان‌المسلمین توانسته

بود با فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و خیریه در بخش‌های آموزشی و بهداشت و پرداخت هزینه‌های سیاسی از جمله زندان و تبعید و کشته‌شدن اعضایش، بیش از نیم قرن به حیات خود ادامه دهد. در چنین شرایطی مرسى نماینده اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست‌جمهوری بر کرسی قدرت نشست و اولین تجربه زمامداری اخوان رقم خورد. مرسى نویسندگان قانون اساسی را گلچین کرد و دادستان و قضات را از کار برکنار کرد. مردم این تغییر و تحولات را انحصاری کردن قدرت توسط اخوان‌المسلمین تعبیر کردند و نقطه آغاز تنش‌های دوباره در مصر نیز همین‌جا بود. خون و خشونت و اعتراض تبدیل به نماد دوسال اخیر مصر شد. مردم دوباره به میان‌مانی التحریر آمدند. تظاهرات شامل لیبرال‌ها و گروه‌های سکولاری بود که از آغاز انقلاب ۲۰۱۱ مصر به میدان آمده بودند، علاوه بر آنها حامیان رژیم مبارک دیده می‌شدند و همچنین گروه‌هایی که اوایل از طرفداران انقلاب بودند و سپس طرفدار تسلط نظامیان بر مصر شدند. همه گروه‌های سیاسی مخالف در آخرین تظاهراتشان هم یک شعار و خواسته داشتند: سرنوشتی مرسى، اما چه‌کسی است که نداند رسیدن به این خواسته در نهایت به شکاف و تشدد مخالفان منجر می‌شود. زمانی که دهها هزارنفر در میدان التحریر مصر دور هم جمع می‌شدند، بسیاری نگران مسائلی بودند که مخالفان را از هم جدا می‌کرد. «هرسى برو»، «ریش‌ت را بترسان، شرم‌ت را نشان بده، صورت تو مثل صورت مبارک است»، «ما از اسلامگراها نمی‌ترسیم»

این شعار معترضانى بود که بعد از روی کارآمدن مرسى در التحریر جمع شده بودند. اما نقطه اشتراک مخالفان تنها در یک‌جا به‌هم می‌رسد و آن مخالفت با مرسى است، بنابراین اگر مرسى برکنار نشود مخالفان در برابر یکدیگرند نه در کنار هم. بسیاری از ناظران بر این باورند که بعد از سقوط مبارک تضاد منافع میان مخالفان به وجود آمد و به احتمال زیاد به محض سقوط نظام جدید هم این تضاد نمود پیدا می‌کند؛ امری که اثبات می‌کند مخالفان مصری فاقد سازمان‌دهی سیاسی هستند. در میان اختلافات و شکاف بین مخالفان، نبود رهبری واحد نیز چالش دیگری است؛ رهبری‌ای که به واسطه او، توده‌ها در کنار هم جمع شوند و به جلو حرکت کنند، شاید باید باور کنیم که راه درازى مانده تا انقلاب را مردم رهبری کنند نه شخصیت‌ها. با این حال چه به مذاق انقلابیون مصری خوش بیاید و چه نیاید، مرسى اکنون قدرت را در مصر در اختیار دارد و سودای واگذاری آن را در سر ندارد. و با توجه به شکاف میان مخالفان چه تضمینی وجود دارد که انقلاب دوم در مصر، این کشور را وارد گردباد جنگ داخلی نکند و سرنوشت محتوم سورهیه در مصر تکرار نشود. در این شرایط گزینه‌های بی‌شماری برای مخالفان مصری روی میز نیست. یکی از راه‌های پیش‌روی مخالفان آن است که انقلاب به اصلاح امور بپسندد و با مشارکت در قدرت، سهمی از آن خود کنند. تا امروز انقلابیون به واسطه روحیه انقلابی و آرمان‌گرایانه خود وقعی به این گزینه ننهاده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۰